

بررسی نظام آوایی گویش نیشابوری

دکتر ایران کلباسی*

مهشید سلیمانی**

چکیده

این پژوهش به توصیف نظام آوایی گویش نیشابوری می‌پردازد. محقق به ضبط گفتار گویشوران پرداخته و هر کجا لازم بوده، از مصاحبه نیز بهره برده است. از آنجاکه درباره زبان مذکور، مطالعه جامع و خاصی انجام نگرفته، روش این تحقیق بیشتر میدانی است. برای انتخاب نمونه‌ها عامل سن، سواد، جنس و مهاجرت در نظر گرفته شده است.

پژوهنده در ابتدا، از گویش نیشابوری و محدوده جغرافیایی آن بحث می‌کند. سپس، به معرفی و توصیف همخوان‌ها و واکه‌ها و همچنین فرایندهای واجی این گویش می‌پردازد.

واژگان کلیدی: آوا، گویش نیشابوری، قواعد واجی، واج، واکه، همخوان.

* استاد زبانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

۱. مقدمه

بیشتر مردم نیشابور به فارسی با گویش نیشابوری سخن می‌گویند. این گویش شامل واژگان فارسی دری و پهلوی است که با لهجه نیشابوری بیان می‌شود. زبان‌های ترکی خراسانی و کردی گویش کرمانجی، در شهرستان نیشابور و نیز زبان عربی، در بین اهالی عرب و در حوزه‌های علمیه نیشابور رایج است. نیشابور یکی از شهرهای مهم استان خراسان رضوی است که از طرف شمال به کوه بینالود، از غرب به شهرستان سبزوار، از شرق به بخش فریمان از شهرستان مشهد و بخش کدکن از شهرستان تربت‌حیدریه و از جنوب به شهرستان کاشمر محدود است. این شهر دارای بناهای تاریخی و مراکز گردشگری بسیار است که از جمله می‌توان به آرامگاه کمال‌الملک، آرامگاه خیام، آرامگاه عطار، امامزاده محروق و ابراهیم، بی‌بی شطیبه و قدمگاه اشاره کرد. گویش این منطقه، نیشابوری است که به جز تفاوت‌های آوایی و واژگانی تفاوت چندانی با فارسی ندارد.

۲. پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی که تاکنون درباره این گویش انجام شده، به شرح زیر است:

- مریم نعیم‌آبادی، در سال ۱۳۸۲، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، به بررسی این گویش پرداخته است. این تحقیق، شش فصل دارد: فصل اول چهارچوب اصلی و فصل دوم مبانی نظری تحقیق را دربرمی‌گیرد. فصل سوم، به بررسی آواشناختی و واج‌شناختی گویش نیشابوری و فصل چهارم به بررسی ساخت‌وازی آن می‌پردازد. فصل پنجم، نحو آن را بررسی می‌کند و در آخر، فصل ششم نتایج و پیشنهادهایی را مطرح می‌سازد. اما این تحقیق، با بررسی جفت‌های کمینه معادل هر واج، عمیقاً به بررسی و استخراج واج‌های این گویش پرداخته است.

- علی رضا الاچه کردی، در سال ۱۳۷۸، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، به بررسی ساختمان گروه فعلی در گویش نیشابوری پرداخته است. چهارچوب نظری این تحقیق نحو ایکس تیره است که از زیرنظریه‌های نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی است. کردی به توصیف دقیق گروه فعلی در گویش نیشابوری و عناصر موجود در آن، در چهارچوب نظریه ایکس تیره پرداخته است. هم‌چنین، فرایندهای نحوی را که در گروه فعلی گویش نیشابوری عمل می‌کند و نیز وجه و نمود فعل را، به تفصیل بررسی کرده است. اما همان‌گونه که از اسم پژوهش پیداست، نگارنده به بررسی نظام آوایی گویش نیشابوری نپرداخته است.

- محسن ذاکرالحسینی، در سال ۱۳۸۰، فهرستی از برخی لغات و اصطلاحات گویش نیشابوری را در مقاله‌ای آورده و نمونه‌هایی از وندهای اشتقاقی به‌کاررفته در این گویش را معرفی کرده است.

- حسن نظریان، در سال ۱۳۷۲، در مقاله‌ای به پیشینه نیشابور و گویش نیشابوری اشاره کرده و آثار بازمانده از گویش نیشابوری را در کتاب‌ها و فرهنگ‌های قدیم هم‌چون تاریخ بیهقی، کلیله و دمنه و... برای نمونه آورده است.

بقیه مطالب به‌جامانده از گذشته درباره گویش نیشابوری را، بیشتر علاقه‌مندان به حفظ این گویش گردآوری کرده‌اند که البته، براساس اصول تحلیل زبان‌شناسی نیست؛ مثلاً عباس‌علی حشمتی در کتاب خود با نام دلیل و دیلبر که مجموعه‌ای از دوبیتی‌های محلی نیشابور است، اشعاری به گویش نیشابوری آورده است.

هم‌چنین محمدصادقی، در کتاب خود با نام نیوشه؛ فرهنگ‌واره ضرب المثل‌های نیشابوری، به جمع‌آوری مثل‌های اصیل گویش نیشابوری پرداخته است. برای پاس‌داشت مثل‌های دیار نیشابور، می‌توان گفت که این کتاب، در نوع خود بی‌نظیر است و تاکنون در حوزه ثبت مثل‌های نیشابوری، چنین کاری انجام نشده است.

۳. اهمیت و اهداف تحقیق

امروزه تأثیر زبان‌های معیار، از طریق رسانه‌های گروهی خصوصاً رادیو و تلویزیون، بر گویش‌های محلی و غیرمعیار بسیار چشمگیر است. تأثیرپذیری گویش نیشابوری از زبان فارسی را می‌توان در گفتار مردم و به‌خصوص در قشر جوان مشاهده کرد. اکثر جوانان تمایل دارند که به زبان رسمی کشور صحبت کنند. این موضوع، به تدریج، باعث فراموشی و زوال این گویش می‌شود. برای پیشگیری از این مسئله، وظیفه هر زبان‌شناس بومی است که به ثبت گویش‌ها بپردازد. این کار، خود، به ثبت فرهنگ اقوام مختلف کمک می‌کند؛ چراکه زبان و گویش هر قوم منعکس‌کننده فرهنگ آن قوم می‌باشد. بنابراین، هدف از انجام این پژوهش شناخت و بررسی نظام آوایی گویش نیشابوری است.

۴. روش تحقیق

از آن جا که درباره زبان مذکور مطالعه جامع و خاصی انجام نگرفته، روش تحقیق بیشتر میدانی است. منبع جمع‌آوری داده‌ها نیز افراد سال‌خورده‌ای هستند که در شهرستان نیشابور سکونت دارند و کمتر از زبان فارسی و گویش‌های دیگر تأثیر پذیرفته‌اند. در این پژوهش، همانند دیگر پژوهش‌های گویش‌شناسی، در انتخاب پاسخ‌گویان، عواملی مانند سن، سواد، جنس و مهاجرت در نظر گرفته شده است.

پس از جمع‌آوری داده‌ها به روش میدانی و کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از شم زبانی، واج‌های این زبان استخراج و توصیف شده‌اند. بدین ترتیب که داده‌های ضبط شده روی نوار، روی کاغذ ثبت و سپس با نهایت دقت، آوانگاری شده‌اند. از آن جا که محقق گویشور بومی است، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دانش زبانی خود نیز بهره برده است. گویش نیشابوری خط نوشتاری ندارد. بنابراین پژوهشگر، مثال‌ها را به صورت واج‌نویسی آورده است.

۵. هم‌خوان‌ها و واکه‌های گویش نیشابوری

برای استخراج واج‌ها از روش جانشینی استفاده شده است؛ بدین معنی که جفت‌های کمینه با هم مقایسه شده‌اند. جفت‌واژه‌هایی که در تمام مشخصه‌های آوایی به‌جز یک مشخصه یکسان باشند، اما هر یک از آن‌ها معنای متفاوتی داشته باشند، جفت‌های کمینه نام دارند. آوای گویش نیشابوری به دو گروه هم‌خوان و واکه تقسیم می‌شوند.

۱.۵. واکه‌ها

پژوهشگر واکه‌هایی را که در این گویش ارزش واجی دارند، در جفت‌های کمینه زیر نشان داده است:

۱.۱.۵. شناسایی واج /i/

نماد آوایی	مشخصات آوایی
/i/	پیشین، بسته، گسترده

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

الف. سنجش با واج /a/:

ب. سنجش با واج /u/:

a/i	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
a/i	سیر خوراکی / سیر (مخالف گرسنه)	sar/sir	sar/sir
a/i	تیر / خیس	xis/tir	tar/tir
a/i	شیر خوراکی / شرور، بد	šar/šir	šar/šir
u/i	تیر / تور	tur/tir	tör/tir

۲.۱.۵. شناسایی واج /a/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
پیشین، باز، گسترده	/a/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

الف. سنجش با واج /â/

آوانویسی به گوش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	â/a
naf/nâf	nâf/naft	نفت / ناف	â/a
târ/tar	xis/tarik	خیس / تاریک	â/a
nâr/nar	mozakkar/anâr	مذکر / انار	â/a
zâr/zar	talâ/darmande	طلا / درمانده، بیچاره	â/a

ب. سنجش با واج /ê/

آوانویسی به گوش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	ê/a
sêr/sar	sir/sar	سر / سیر (مقابل گرسنه)	ê/a
šer/šar	šir/šar	بد، شرور / شیر (حیوان)	ê/a

۳.۱.۵. شناسایی واج /e/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
پیشین، نیم‌باز، گسترده	/e/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

الف. سنجش با واج /ē/

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت کمینه معادل فارسی معیار	ē/e
sēr/ser	sir/sir	سیر (واحد وزن)، سیر (مقابل گرسنه)	ē/e

۴.۱.۵. شناسایی واج /ö/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
پیشین، نیم‌بسته، گرد	/ö/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

الف. سنجش با واج /a/

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت کمینه معادل فارسی معیار	a/ö
tör/xis	tur/xis	تور/خیس	a/ö
zör/zar	zur/zar	زور/طلا	a/ö
bör/bar	bur/bar	بور (طلایی)/بر (کنار)	a/ö

ب. سنجش با واج /â/

آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	â/ö
zur/zâr	zur/zâr	zör/zâr	زور (قدرت)، زار (نالان)	â/ö
tur/târ	tur/târ	tör/târ	تور (حریر)، تار (تیره)	â/ö

۵.۱.۵. شناسایی واج /â/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
پسین، باز، گرد	/â/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

الف. سنجش با واج /î/

آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	î/â
sâr/sir	sâr/sir	sâr/sir	سار (پرنده) / سیر (خوراکی)	î/â
fâl/fîl	fâl/fîl	fâl/fîl	فال (قرعه) / فیل (حیوان)	î/â

ب. سنجش با واج /a/

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	a/â
dâr/dar	dâr/dar	دار/ در	a/â
nâr/nar	nâr/nar	انار/ نر (مقابل جنس ماده)	a/â

۶.۱.۵. شناسایی واج /ē/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
بلند (کشیده)، پیشین، نیم‌باز، گسترده	/ē/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

الف. سنجش با واج /e/

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	e/ē
sēr/ser	sir/sir	سیر (مقابل گرسنه)/ واحد وزن (معادل ۷۵ گرم)	e/ē
zēr/zer	zir/zer	زیر (پایین)/ حرف بی‌هوده	e/ē

ب. سنجش با واج /i/

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	i/ē
sēr/sir	sir/sir	سیر (مقابل گرسنه) / سیر خوراکی	i/ē
ēšr/šir	šir/šir	شیر (حیوان درنده) / شیر خوراکی	i/ē

۷.۱.۵. شناسایی واج /ü/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
پیشین، بسته، گرد	/ü/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

الف. سنجش با واج /â/

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	â/ü
nür/nâr	nur/nâr	نور / نار	â/ü
hür/hâr	hur/hâr	حور (زن بهشتی) / هار (سگ)	â/ü

۸.۱.۵. شناسایی واج /o/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
پسین، نیم‌باز، گرد	/o/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

الف. سنجش با واج /â/

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار
mo/mâ	man/mâ	من / ما

ب. سنجش با واج /a/

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	a/ü
sür/sar	sur/sar	سور (مهمانی) / سر	a/ü
dür/dar	dur/dar	دور / در	a/ü

۹.۱.۵. شناسایی واج /u/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	
mo/mu	man/mu	من / مو	o/u

۲.۵. واج‌گونه‌های 'واکه‌ای

[e:] واج‌گونه /e/ و گونه کشیده آن است که براساس نمونه‌های زیر به‌وجود می‌آید:

۱.۲.۵. گاهی در مقابل [i] فارسی قرار می‌گیرد:

آوانویسی به فارسی	آوانویسی به گویش نیشابوری	کلمه	i/e:
se:x	six	سیخ	i/e:
te:q	tiq	تیغ	i/e:
pe:č	pič	پیچ	i/e:

۲.۲.۵. گاهی با حذف هم‌خوانی از مجاورت [e] (معمولاً h) به‌وجود می‌آید:

آوانویسی به فارسی	آوانویسی به گویش نیشابوری	کلمه
Bedehkar	bede:kar	بدهکار
Tehrân	te:ran	تهران
Zehn	ze:n	ذهن

۳.۲.۵. در پایان واژه، کشش [e:] گاهی حذف می‌شود:

آوانویسی به فارسی	آوانویسی به گویش نیشابوری	کلمه
Deh	de:/de	ده (روستا)

۴.۲.۵. [a:] واج گونه /a/ و گونه کشیده آن است که معمولاً با حذف همخوان *h* یا *ʔ* از مجاورت آن، به وجود می آید:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	کلمه
<i>qa:r</i>	<i>Qahr</i>	قهر
<i>ta:rif</i>	<i>taʔrif</i>	تعریف

۵.۲.۵. گاهی [a:] با حذف همخوان غیرمجاور به وجود می آید:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	کلمه
<i>ʃa:m</i>	<i>ʃamʔ</i>	جمع

۶.۲.۵. گاهی [a:] به جای [â] به کار می رود:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	کلمه
<i>ma:lidan</i>	<i>mâlidan</i>	مالیدن
<i>xa:ridan</i>	<i>Xâridan</i>	خاریدن

۷.۲.۵. در پایان واژه، کشش [a:] حذف می شود:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	کلمه
<i>da:/da</i>	<i>Dah</i>	ده (عدد)

۸.۲.۵. [o:] واج گونه /o/ و گونه کشیده آن است که معمولاً با حذف همخوان های *h* و *ʔ* از مجاورت آن به وجود می آید: انباری: *xanpe:sow* → *xanpešo* یا آروغ: *zroʔ* → *zro*

۹.۲.۵. [ə] واج‌گونه /e/ یا /a/ است که هم بین خوشه‌های آغازی کلمه می‌آید و هم

به صورت کسره اضافه و هم در جاهای دیگر؛ مثلاً قبل از ضمیر متصل:

آوانویسی به گویش نیشابوری	کلمه
<i>xâdət</i>	خودت
<i>zanə xana</i>	زن خانه
<i>pərtow dayan</i>	رهاکردن
<i>gəndiyan</i>	گندیدن

۳.۵. واکه‌های مرکب (دوگانه)^۱

در این گویش، ده واکه مرکب به ترتیب زیر وجود دارد که مانند واکه‌های مرکب فارسی، از دیدگاه آوایی مرکب به حساب می‌آیند، ولی از نظر واجی رشته‌های مرکب از یک واکه و یک هم‌خوانند (ثمره، ۱۳۶۸: ۱۰۰ تا ۱۰۲؛ ۱۱۷؛ ۱۲۲).

واکه مرکب (دوگانه)	آوانویسی به گویش نیشابوری	کلمه
[ew]	<i>sew</i>	سیب
[ow]	<i>tow</i>	تاب
[öw]	<i>bököw</i>	بکوب
[öy]	<i>xöy</i>	ناراحتی
[ay]	<i>šayx</i>	شیخ
[ây]	<i>dây</i>	دیوار
[aw]	<i>taw</i>	تب

1. diphthong.

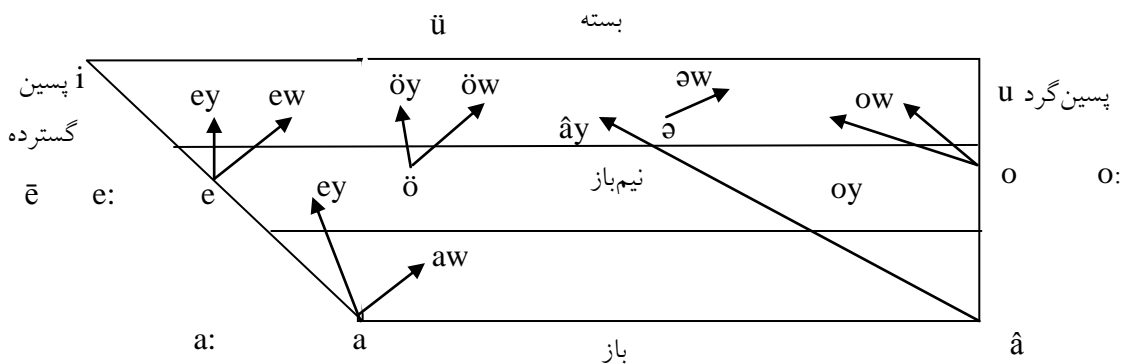
۴.۵. واکه‌های میانجی

در این گویش نیز مانند فارسی و اغلب گویش‌های ایرانی، در مرز دو واژک^۱ بین دو هم‌خوان مجاور، واکه‌ای تولید می‌شود که به آن واکهٔ میانجی می‌گویند. واکهٔ میانجی معمولاً به صورت [ə] است: مهربان *me:r[ə]bon*.

- گاهی به جای اضافه شدن واکه، از بین دو هم‌خوان، واکه‌ای حذف می‌شود:

کلمه	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
فایده	<i>fâyedeh</i>	<i>fâyda</i>

۱.۵. نمودار واکه‌ها



۱.۵. جدول واژه‌ها در گویش نیشابوری

مثال	معنی	نماد آوایی	مشخصات آوایی
<i>sir</i>	سیر خوراکی	/i/	پیشین، بسته، گسترده
<i>zar</i>	زر (طلا)	/a/	پیشین، باز، گسترده
<i>ser</i>	سیر (واحد وزن)	/e/	پیشین، نیم‌باز، گسترده
<i>zör</i>	زور	/ö/	پیشین، نیم‌بسته، گرد
<i>fâl</i>	فال (قرعه)	/â/	پسین، باز، گرد
<i>zēr</i>	زیر (پایین)	/ē/	بلند (کشیده)، پیشین، نیم‌باز، گسترده
<i>nür</i>	نور	/ü/	پیشین، بسته، گرد
<i>mo</i>	من	/o/	پسین، نیم‌باز، گرد
<i>mu</i>	مو	/u/	پسین، بسته، گرد

۶. شناسایی و استخراج صامت‌ها در گویش نیشابوری

۱.۶. شناسایی واج /p/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
دولبی، انفجاری (انسدادی)، بی‌واک	/p/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	
<i>peš/beš</i>	<i>piš/biš</i>	پیش / بیش	<i>p/ b</i>
<i>meš /peš</i>	<i>piš/miš</i>	پیش / میش	<i>p/ m</i>

۲.۶. شناسایی واج /*p*/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
دولبی، انفجاری (انسدادی)، واک‌دار	<i>/b/</i>

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	
<i>buz/puz</i>	<i>boz/dahan</i>	بز / دهان	<i>b/p</i>
<i>bel/vel</i>	<i>bil/raha(vel)</i>	بیل / رها	<i>b/v</i>
<i>bâr/mâr</i>	<i>bâr/mâr</i>	بار / مار	<i>b/m</i>
<i>beš/meš</i>	<i>biš/miš</i>	بیش / میش	<i>b/m</i>

۳.۶. شناسایی واج /v/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
لب‌ودندانی، سایشی، واک‌دار	/v/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

آوانویسی به گوش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	
<i>vel/bel</i>	<i>vel/bil</i>	ول (رها) / بیل	<i>v/b</i>
<i>vâ/tâ</i>	<i>bâz/tâ</i>	باز / تا (حرف پیوند)	<i>v/t</i>

۴.۶. شناسایی واج /f/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
لب‌ودندانی، سایشی، بی‌واک	/f/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

آوانویسی به گوش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	
<i>fâš/mâš</i>	<i>fâš/mâš</i>	فاش / ماش	<i>f/m</i>
<i>fil/til</i>	<i>fil/til</i>	فیل / تیل (نوعی میوه)	<i>f/t</i>

- در گویش نیشابوری، مانند انگلیسی، صدای /v/ به صورت لب‌ودندانی و صدای /w/ به صورت دولبی تلفظ می‌شود؛ مانند:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	کلمه
<i>xowar/šaw</i>	<i>xâhar /šab</i>	خواهر / شب

۵.۶. شناسایی واج /t/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
دندانی، انفجاری (انسدادی)، بی‌واک	/t/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	
<i>tar/dar</i>	<i>tar/dar</i>	تر (خیس) / در	<i>t/d</i>
<i>tâs/dâs</i>	<i>kâse/dâs</i>	کاسه / داس	<i>t/d</i>
<i>taw/naw</i>	<i>tab/now</i>	تب / نو (جدید)	<i>t/n</i>
<i>tar/nar</i>	<i>tar/nar</i>	تر (خیس) / نر (مقابل جنس ماده)	<i>t/n</i>

- در واژه‌های مختوم به [b + مصوت] غیر از [o]، در گویش نیشابوری، /b/ به /w/ تبدیل می‌شود؛ مانند:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	کلمه
law /šaw	lab/šab	لب / شب

۶.۶. شناسایی واج /d/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
دندانی، انفجاری (انسدادی)، واک‌دار	/d/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	
dar/tar	dar/tar	در / تر (خیس)	d/t
dar/nar	dar/nar	در / نر	d/n
dây/nây	divar/nây	دیوار / نای (توان)	d/n

۷.۶. شناسایی واج /s/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
لثوی، سایشی، بی‌واک	/s/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	
<i>sâr/zâr</i>	<i>sâr/zâr</i>	سار / زار	<i>s/z</i>
<i>sêv/šêv</i>	<i>sib/šib</i>	سیب / شیب	<i>s/s</i>
<i>mâs/mâš</i>	<i>mâst/mâš</i>	ماست / ماش	<i>s/s</i>

۸.۶. شناسایی واج /z/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
لثوی، سایشی، واک‌دار	/z/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	
<i>zâr/sâr</i>	<i>zâr/sâr</i>	زار / سار	<i>z/s</i>
<i>zar/šar</i>	<i>zar/šar</i>	زر / شر	<i>z/š</i>
<i>zör/šör</i>	<i>zur/šur</i>	زور / شور	<i>z/š</i>

۹.۶. شناسایی واج /š/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
لثوی، کامی، سایشی، بی‌واک	/š/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

۱. سنجش با واج /s/؛

۲. سنجش با واج /z/.

هر دو سنجش قبلاً ذکر شده است.

۱۰.۶. شناسایی واج /j/

نماد آوایی	مشخصات آوایی
/j/	لثوی، سایشی، واک‌دار

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
جا (محل) / چاه	<i>jâ/ĉâ(h)</i>	<i>j/ĉ</i>	<i>jâ/ĉâ</i>
جوی آب / چوب	<i>ju/ĉub</i>	<i>j/ĉ</i>	<i>jöw/ĉöw</i>
جار / سار	<i>jâr/sâr</i>	<i>j/s</i>	<i>jâr/sâr</i>
جیر (نوعی کش) / شیر	<i>jir/šir</i>	<i>j/š</i>	<i>jir/šir</i>

۱۱.۶. شناسایی واج /ĉ/

نماد آوایی	مشخصات آوایی
/ĉ/	لثوی، کامی، انسدادی، سایشی، بی‌واک

شناسایی این واج از طریق سنجش با واج /j/ صورت می‌گیرد که قبلاً متذکر شدیم.

۱۲.۶. شناسایی واج /y/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
کامی، روان، واک‌دار	/y/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	
yâr/jâr	yâr/jâr	یار / جار (سروصدا)	y/j
yavâš/ lavâš	yavâš/ lavâš	یواش / لواش	y/l

۱۳.۶. شناسایی واج /k/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
نرم‌کامی، انفجاری (انسدادی)، بی‌واک	/k/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	
kôr/gôr	kur/gur	کور / گور	k/g
kam/qam	kam/qam	کم / غم	k/q

۱۴.۶. شناسایی واج /g/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
نرم‌کامی، انفجاری (انسدادی)، بی‌واک	/g/

شناسایی این واج از طریق سنجش با واج /k/ صورت می‌گیرد که قبلاً ذکر شد:

۱۵.۶. شناسایی واج /x/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
ملازی، بی‌واک، سایشی	/x/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	
<i>xâš/qâš</i>	<i>mâdar zan/boreš</i>	خاش (مادرزن)/ قاش (برش)	<i>x/q</i>
<i>xodâ/godâ</i>	<i>xodâ/gedâ</i>	خدا/ گدا	<i>x/g</i>

۱۶.۶. شناسایی واج /q/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
ملازی، انفجاری (انسدادی)، واک‌دار	/q/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

۱. سنجش با واج /x/؛

۲. سنجش با واج /k/.

- هر دو سنجش قبلاً ذکر شده است.

۱۷.۶. شناسایی واج /m/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
دولبی، خیشومی، واک‌دار	/m/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

۱. سنجش با واج‌های /b/ و /p/ که قبلاً ذکر شد؛

۲. سنجش با واج /n/.

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	
qam/qan	qam/qand	غم / قند	m/n

۱۸.۶. شناسایی واج /n/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
لثوی، خیشومی، واک‌دار	/n/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	
<i>dar/nar</i>	<i>dar/nar</i>	در / نر	<i>n/d</i>
<i>nay/tay</i>	<i>ney/tey</i>	نی / تی (کردن) = قرار گذاشتن	<i>n/t</i>
<i>nar/tar</i>	<i>nar/tar</i>	نر / تر	<i>n/t</i>

۱۹.۶. شناسایی واج /l/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
لثوی، کناری، ناسوده، واک‌دار	/l/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	
<i>lam/kam</i>	<i>lam/kam</i>	لم (دراز کشیدن) / رم (بی‌قراری)	<i>l/r</i>
<i>lang/rang</i>	<i>lang/rang</i>	لنگ / رنگ	<i>l/r</i>
<i>xâl/xâr</i>	<i>xâl/xâr</i>	خال / خار	<i>l/r</i>
<i>lör/kör</i>	<i>âbedahân/kur</i>	آب دهان / کور	<i>l/k</i>
<i>lam/kam</i>	<i>lam/kam</i>	لم / کم	<i>l/k</i>

۲۰.۶. شناسایی واج /ħ/^۱

مشخصات آوایی	نماد آوایی
حلقی، سایشی، بی‌واک	/ħ/

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	
<i>ħar/xar</i>	<i>har/xar</i>	هر / خر	<i>ħ/x</i>
<i>ħâr/xâr</i>	<i>hâr/xâr</i>	هار / خار	<i>ħ/x</i>
<i>ħam/xam</i>	<i>ham/xam</i>	هم / خم	<i>ħ/x</i>
<i>ħâr/bâr</i>	<i>hâr/bâr</i>	هار / بار	<i>ħ/b</i>
<i>ħar/bar</i>	<i>har/bar</i>	هر / بر (کنار)	<i>ħ/b</i>

– این واج در گویش نیشابوری، صامتی است سایشی و حلقی (مانند عربی) و بی‌واک.

۲۱.۶. شناسایی واج /ʔ/

مشخصات آوایی	نماد آوایی
چاکنایی، انفجاری (انسدادی)، بی‌واک	/ʔ/

۱- این صامت در گویش نیشابوری حلقی است و مانند عربی تلفظ می‌شود در حالی که در گویش تهرانی چاکنایی است. ħ علامت حلقی بودن می‌باشد.

شناسایی این واج از طریق سنجش‌های زیر صورت می‌گیرد:

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	جفت‌کمینه معادل فارسی معیار	
?ayn/bayn	?eyn/beyn	عین / بین	?/b
?âr/jâr	?âr/jâr	عار (ننگ) / جار (فریاد)	?/j
?âr/qâr	?âr/qâr	عار / غار	?/q

جدول هم‌خوان‌ها در گویش نیشابوری

آوانویسی به گویش نیشابوری	مثال	مشخصات آوایی	نماد آوایی
<i>pella</i>	پله	دولبی، انفجاری (انسدادی)، بی‌واک	/p/
<i>bâq</i>	باغ	دولبی، انفجاری (انسدادی)، واک‌دار	/b/
<i>vax</i>	وقت	لب‌ودندانی، سایشی، واک‌دار	/v/
<i>ferz</i>	فرز (چالاک)	لب‌ودندانی، سایشی، بی‌واک	/f/
<i>tar</i>	تر	دندانی، انفجاری (انسدادی)، بی‌واک	/t/
<i>dâq</i>	داغ	دندانی، انفجاری (انسدادی)، واک‌دار	/d/
<i>sâl</i>	سال	لثوی، سایشی، بی‌واک	/s/
<i>zan</i>	زن	لثوی، سایشی، واک‌دار	/z/
<i>šana</i>	شانه	لثوی، کامی، سایشی، بی‌واک	/š/
<i>jaro:</i>	جاروب	لثوی، سایشی، واک‌دار	/j/
<i>čâk</i>	چاک (پاره‌شده)	لثوی، کامی، انسدادی، سایشی، بی‌واک	/č/

<i>yak</i>	یک (عدد)	کامی، روان، واک‌دار	/y/
<i>kowli</i>	کولی	نرم‌کامی، انفجاری (انسدادی)، بی‌واک	/k/
<i>gird</i>	گرد	نرم‌کامی، انفجاری (انسدادی)، بی‌واک	/g/
<i>xali</i>	خالی	ملازی، بی‌واک، سایشی	/x/
<i>mâ</i>	ما (ضمیر)	دولبی، خیشومی، واک‌دار	/m/
<i>nana</i>	مادر	لثوی، خیشومی، واک‌دار	/n/
<i>lomba</i>	چاق	لثوی، کناری، ناسوده، واک‌دار	/l/
<i>ħaf</i>	هفت (عدد)	حلقی، سایشی، بی‌واک	/ħ/
<i>?abr</i>	ابر	چاکنایی، انفجاری (انسدادی)، بی‌واک	/ʔ/
<i>da:ra</i>	دارد	لثوی، غلتان (لرزشی)، واک‌دار	/r/
<i>qam</i>	غم	ملازی، انفجاری (انسدادی)، واک‌دار	/q/

در این گویش، هم‌خوان /ž/ وجود ندارد^۱ و همهٔ واژه‌هایی که در فارسی معیار، دارای این هم‌خوانند (اعم از اینکه این واج در اول یا در وسط واژه بیاید)، با هم‌خوان /j/ تلفظ می‌شوند.

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
ژاندارم	<i>žândârm</i>	<i>jândârm</i>
گاراژ	<i>gârâž</i>	<i>gârâj</i>
ژاپن	<i>žâpon</i>	<i>jâpon</i>
مژده	<i>možde</i>	<i>mojde</i>
اژدها	<i>?eždehâ</i>	<i>?ejdehâ</i>

۱- استثنائی که در این زمینه وجود دارد همراهی واج /j/ با واج /V/ است: [ž] → [j]/+V/ (ر.ک. ص ۲۶ ژ).

جدول واج‌های هم‌خوانی در گویش نیشابوری

نحوه تولید	دو لبی	لب و دندانانی	دندانانی	لثوی	لثوی-کامی	کامی	نرم‌کامی	ملازی	چاکنائی
انفجاری (انسدادی)	<i>p b</i>		<i>t d</i>				<i>k g</i>	<i>q</i>	?
سایشی		<i>f v</i>		<i>s z</i>	<i>š</i>			<i>x</i>	<i>ħ</i>
انسدادی-سایشی					<i>čʃ</i>				
غلتان (لرزشی)				<i>r</i>					
کناری ناسوده				<i>l</i>					
خیشومی	<i>m</i>			<i>n</i>					
نیم واکه (روان)						<i>y</i>			

۷. فرایندهای واجی در گویش نیشابوری

۱.۷. ابدال

ابدال شامل دو نوع هم‌گونی^۱ و ناهم‌گونی^۲ است (فرمول‌های به‌کاررفته براساس فصل ۱۱ و ۱۲ کتاب ساخت آوایی زبان اثر دکتر مهدی مشکوة‌الدینی (۱۳۸۸) است).

۱.۱.۷. تبدیل همخوان (صامت)

الف. تبدیل واج /b/ به /p/ : /b/ → [p]

آوانویسی به گویش نیشابوری	مثال
<i>qo:ppa</i>	قبه (برآمدگی / برجستگی) <i>qobbe</i>

ب. تبدیل واج /b/ به /v/ : /b/ → [v]

آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری	مثال
<i>?âftâbe</i>	<i>?aftava</i>	آفتابه
<i>tabar</i>	<i>tavar</i>	تبر
<i>šurbâ</i>	<i>šörvâ</i>	شوربا (نوعی آش)
<i>bâz</i>	<i>vâ:</i>	باز

فرمول	نیشابوری	مثال
$\hat{a} + b \rightarrow ow$	<i>xow</i>	خواب <i>xâb</i>
$\check{s} + b \rightarrow aw$	<i>šaw</i>	شب <i>šab</i>
$t + b \rightarrow aw$	<i>taw</i>	تب <i>tab</i>
$l + b \rightarrow aw$	<i>law</i>	لب <i>lab</i>

پ. تبدیل واج /j/ به /č/ : /j/ → [č]

آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری	مثال
<i>masjed</i>	<i>məsjid</i>	مسجد

ت. تبدیل واج /j/ به /š/ : /j/ → [š]

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
مجتهد	<i>mojtahed</i>	<i>muštahed</i>

- این تبدیل در همه‌جا، قبل از واج t صورت می‌گیرد.

ث. تبدیل واج /t/ به /d/ : /t/ → [d]

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
شفتالو	<i>šaftālu</i>	<i>šəfɒdalu</i>
پرستاری	<i>parastari</i>	<i>parasdari</i>
مطبخ	<i>matbax</i>	<i>mədbax</i>
ختنه‌سوری	<i>xatne suri</i>	<i>xədna suri</i>

ج. تبدیل واج /d/ به /t/ و /g/ به /q/ : /d/ → [t] /g/ → [q]

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
لگد	<i>lagad</i>	<i>ləqat</i>

چ. ابدال هم‌گونی /d/ به /t/ در مجاورت t در مرز دو هجا

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
لگد	<i>bad-tar</i>	<i>bəttar</i>

ح. ابدال هم‌گونی /d/ به /j/ در مجاورت *j* در مرز دو هجا

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
بدجنس	<i>bad-jens</i>	<i>bajjens</i>
بدجور	<i>bad-jur</i>	<i>bajjur</i>

خ. تبدیل واج /r/ به /l/: /r/ → [l]

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
دیوار	<i>divâr</i>	<i>defâl</i>
پروار (چاق)	<i>parvâr</i>	<i>pælvâr</i>

د. تبدیل واج /z/ به /j/: /z/ → [j]

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
زشت	<i>zešt</i>	<i>jišt</i>

ذ. تبدیل واج /f/ به /v/ و ظهور مصوت دوگانه /aw/ /f/ → [v]

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
کفش	<i>kafš</i>	<i>kawš</i>

ر. واج /f/ همراه با مصوت /a/ به مصوت دوگانه /aw/ در گویش نیشابوری تبدیل

می‌شود: /f/+a/ → [aw]

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
افسار	<i>?afsâr</i>	<i>?awsâr</i>

ز. تبدیل واج /ž/ به /j/ : /ž/ → [j]

آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری	مثال
<i>može</i>	<i>muja</i>	مژه

ژ. واج /j/ هنگام هم‌راهی با واج /v/، به واج /ž/ تبدیل می‌شود: /j/+v/ → [ž]

آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری	مثال
<i>vojdân</i>	<i>voždân</i>	وجدان
<i>vajd</i>	<i>važd</i>	وجد

س. تبدیل واج /q/ به /x/ : /q/ → [x]

آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری	مثال
<i>vaqt</i>	<i>vax</i>	وقت
<i>naqše</i>	<i>nəqša</i>	نقشه

ش. ابدال هم‌گونی /k/ به /q/ در مجاورت دو کلمه: /k/ → /q/

آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری	مثال
<i>yek-qeran</i>	<i>yaq-qərön</i>	یک قران
<i>yek-quri</i>	<i>yaq-qöri</i>	یک قوری

ص. تبدیل واج /k/ به /g/ : /k/ → [g]

آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری	مثال
<i>bânk</i>	<i>bâng</i>	بانک

ض. تبدیل واج /g/ به /k/: /g/ → [k]

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
گشاد	<i>gošâd</i>	<i>košâd</i>

ط. تبدیل واج /m/ به /n/ در اسامی ترکیبی که با حذف و یا بقای واج /h/ همراه است:

/m/ → [n]

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
محمدعلی	<i>mohammad ʔali</i>	<i>mandali</i>
محمدحسین	<i>mohmmad hossein</i>	<i>mandoseyn</i>

ظ. تبدیل واج /n/ به /m/ همیشه پیش از صامت /b/: /n/ + /b/ → [m]

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
تنبان (شلوار)	<i>tonbân</i>	<i>tombo:</i>
دنبال	<i>donbâl</i>	<i>dümbâl</i>
قنبر (اسمی است)	<i>qanbar</i>	<i>qambar</i>

ع. تبدیل واج /v/ به /f/: /v/ → [f]

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
دیوار	<i>divâr</i>	<i>devâr</i>

غ. تبدیل واج /v/ به /y/: /v/ → [y]

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
دوم	<i>dovvom</i>	<i>duyyom</i>
سوم	<i>sevvom</i>	<i>seyyom</i>

ف. تبدیل واج /h/ به /b/ : /h/ → [b]

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
مستراح	<i>mostarâh</i>	<i>mo:storâb</i>

ق. تبدیل واج /y/ به /r/ : /y/ → [r]

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
پاشویه	<i>pâ -šuyē</i>	<i>pâ -šöre</i>

۲.۱.۷. تبدیل واکه (مصوت)

الف. تبدیل مصوت /a/ به /ə/ در گویش نیشابوری (به‌ویژه در واژه‌هایی که به /re/

ختم می‌شوند): /a/ → [ə]

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
خنده	<i>xande</i>	<i>xənda</i>
گندم	<i>gandom</i>	<i>gəndum</i>
بره	<i>barre</i>	<i>bərre</i>
دره	<i>darre</i>	<i>dərre</i>

ب. تبدیل مصوت /e/ به /a/ در همه واژه‌های پایان‌یافته به /e/ : /e/ → [a] /--e

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
گفته	<i>gofte</i>	<i>gufta</i>
نامه	<i>nâme</i>	<i>nâma</i>
خامه	<i>xâme</i>	<i>xâma</i>
اره	<i>?arre</i>	<i>?arra</i>

پ. تبدیل مصوت /â/ به /ö/ در گویش نیشابوری، پیش‌از صامت /n/ و تبدیل /n/ به گونه آزاد:

/â/ → [ö] /â--n

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
جان	<i>jân</i>	<i>jö(n)</i>
نان	<i>nân</i>	<i>nö(n)</i>

- واژه‌های گیلان، کرمان، درختان، مردان و زنان از این قاعده مستثنایند.

ت. تبدیل مصوت /â/ به /a/ هنگامی که واج /â/ پیش‌از /n/ قرار بگیرد: /â--n

/â/ → [a]

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
دانه	<i>dâne</i>	<i>dana</i>
خانه	<i>xâne</i>	<i>xane</i>
زنانه	<i>zanâne</i>	<i>zanana</i>

ث. تبدیل مصوت /â/ به /a/ در آغاز هجا یا واژه؛ به شرطی که پس از آن صامت و سپس مصوت باشد:

/â/ → [a]â --consonant+vowel

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
آتش	?âtaš	?ataš
آمد	?âmad	?ama
آهن	?âhan	?ahan

- اگر به جز ساخت و نمونه‌های بالا باشد، مصوت /â/ به همان شکل خود می‌ماند.

ج. اگر /â/ حرف دوم هجا باشد، در گویش نیشابوری به /a/ تبدیل می‌شود: /â/ → [a]

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
راسته	râste	rasta
بازی	bâzi	bazi
قالی	qâli	qali
جارو	jâru	jarö

چ. تبدیل مصوت /î/ به /e:/: /î/ → [e:]

- به مصوت /e:/، یای مجهول گویند که در هرات، کابل، تاجیکستان و خراسان معمول

است.

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	مثال
<i>re:xt</i>	<i>rixt</i>	ریخت
<i>me:x</i>	<i>mix</i>	میخ
<i>be:l</i>	<i>bil</i>	بیل
<i>te:z</i>	<i>tiz</i>	تیز

ح. تبدیل مصوت /o/ به /u/ : /o/ → [u]

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	مثال
<i>gufta</i>	<i>gofte</i>	گفته

خ. تبدیل مصوت /i/ به /e/ : /i/ → [e]

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	مثال
<i>pešani</i>	<i>pišâni</i>	پیشانی

د. تبدیل مصوت /ân/ به /vo/ در گویش نیشابوری: /ân/ → [vo]

آوانویسی به گویش نیشابوری	آوانویسی به فارسی معیار	مثال
<i>ħayvo</i>	<i>heyvân</i>	حیوان

ذ. تبدیل مصوت /a/ به /aw/، پیش از صامت /f/:f/ → [aw] /a/

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
افسار	?afsâr	?awsâr
کفش	kafš	kawš

۲.۷. افزایش

۱.۲.۷. افزایش واج پایانی /d/ در بعضی از واژه‌های مختوم به /n/

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
جن	jen	jind
نشیمن	nešiman	nəšimand

۲.۲.۷. قرارگرفتن هم‌خوان /n/ میان صامت و مصوت در برخی واژه‌های مختوم به /d/

که پیش از مصوت‌های بلند یا کوتاه آمده باشد (بیشتر در فعل‌های ماضی).

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
چیدن	čidan	čindan

۳.۲.۷. قرار گرفتن حرف پیوند VO میان ضمیرهای شخصی هم‌پایه

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
من و تو	man va to	mo- vo-tö

۴.۲.۷. گاهی میان ضمیر مشترک و شخصی در گویش نیشابوری، میانجی /ây/ قرار می‌گیرد.

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
با او برو.	<i>bâ ?u boro</i>	<i>xod-ây-o-börö</i>

۵.۲.۷. گاهی پیشوند صرفی /b/ به آغاز فعل‌های ماضی ساده اضافه می‌شود.

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
رفتم	<i>raftam</i>	<i>bəraftom</i>
خواندم	<i>xândam</i>	<i>boxondom</i>

۳.۷ حذف^۱

۱.۳.۷. حذف /d/ و گاهی /â/ در شاخص‌ها، در گروه اسمی

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
استاداکبر	<i>?ostâd ?akbar</i>	<i>?asta ?akbar</i>
میرزااحمد	<i>mirzâ ?ahmad</i>	<i>mirz. ?ahmad</i>

۲.۳.۷. حذف /h/ از واژه‌ها و نام‌های ویژه

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
محمد	<i>mohammad</i>	<i>mammad</i>
محمدعلی	<i>mohammad ?ali</i>	<i>mandali</i>

۳.۳.۷. حذف /n/ از ضمیر اول شخص مفرد

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
من	<i>man</i>	<i>mo</i>

۴.۳.۷. حذف صامت پایانی /d/ پیش از /n/

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
چند	<i>čand</i>	<i>čan</i>
گند	<i>gand</i>	<i>gan</i>

۵.۳.۷. حذف صامت پایانی /h/

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
چاه	<i>čâh</i>	<i>čâ:</i>
نگاه	<i>negâh</i>	<i>nogâ:</i>
راه	<i>râh</i>	<i>râ:</i>

۶.۳.۷. حذف صامت پایانی /b/

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
چوب	<i>čub</i>	<i>öčw</i>
جاروب	<i>jâru</i>	<i>jaröw</i>

۷.۳.۷. حذف صامت پایانی /d/ در برخی واژه‌ها

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
دزد	<i>dozd</i>	<i>duz</i>
گوسفند	<i>gusfand</i>	<i>gösfan</i>

۴.۷. قلب^۱

مثال	آوانویسی به فارسی معیار	آوانویسی به گویش نیشابوری
قفل	<i>qofl</i>	<i>qolf</i>

۸. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، آواهای گویش نیشابوری بررسی شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها به روش میدانی و کتاب‌خانه‌ای و تجزیه و تحلیل آن‌ها با به‌کارگیری شم‌زبانی، ابتدا واج‌های این گویش تعیین و توصیف شد. در پایان نیز، فرایندهای واجی موجود در این گویش بررسی شد. سپس، با استفاده از مشخصه‌های تمایز دهنده، واج‌ها در گروه‌های مختلف دسته‌بندی شدند.

گویش نیشابوری دارای ۲۲ هم‌خوان و ۹ واکه است که براساس مشخصه‌های تمایز دهنده جدول بندی شدند. در این گویش، هم‌خوان /Z/ وجود ندارد. صامت *h* (ح)، در گویش نیشابوری حلقی است و مانند عربی تلفظ می‌شود، درحالی‌که در گویش تهرانی، چاکنایی است. واکه‌های موجود در گویش نیشابوری که در فارسی معیار وجود ندارند، عبارتند از:

مثال	معنی	نماد آوایی	مشخصات آوایی
<i>zēr</i>	زیر (پایین)	/ē/	بلند (کشیده)، پیشین، نیم‌باز، گسترده
<i>nür</i>	نور	/ü/	پیشین، بسته، گرد
<i>zör</i>	زور	/ö/	پیشین، نیم‌بسته، گرد

گوش نیشابوری دارای واکه‌های مرکب (دوگانه) است که در فارسی معیار وجود ندارد. این واکه‌ها به شرح زیرند:

واکهٔ مرکب (دوگانه)	آوانویسی به گوش نیشابوری	کلمه
[ew]	<i>sew</i>	سیب
[öw]	<i>bököw</i>	بکوب
[öy]	<i>xöy</i>	ناراحتی
[ay]	<i>šayx</i>	شیخ
[ây]	<i>dây</i>	دیوار
[aw]	<i>taw</i>	تب

کتابنامه

۱. اچسون، جین (۱۳۷۰). زبان‌شناسی همگانی، ترجمه حسین وثوقی، چ ۳، تهران: علوی.
۲. الاچه کردی، علی‌رضا (۱۳۷۸). ساختمان گروه فعلی در گویش نیشابوری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، به راهنمایی محمد دبیر مقدم، دانشگاه تربیت مدرس.
۳. باطنی، محمدرضا (۱۳۶۴). توصیف ساختمان دستور زبان فارسی بر بنیاد یک نظریه عمومی زبان، چ ۱۳، تهران: امیرکبیر.
۴. باطنی، محمدرضا (۱۳۷۱). نگاهی تازه به دستور زبان، ج ۵، تهران: آگاه.
۵. باقری، مه‌ری (۱۳۷۵). مقدمات زبان‌شناسی، تهران: قطره.
۶. باقری، مه‌ری (۱۳۸۰). واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی، تهران: قطره.
۷. حشمتی، عباس علی (۱۳۸۶). دیل و دیلبر، مجموعه دو بیتی های محلی نیشابور، انتشارات شهر فیروزه و نوای غزل.
۸. حق‌شناس، علی محمد (۱۳۷۸). آواشناسی (فونتیک)، تهران: آگاه.
۹. دوشه، ژان لویی (۱۳۷۹). واج‌شناسی، ترجمه گیتی دیهیم، ناشر: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (سروش).
۱۰. ذاکرال‌حسینی، محسن (۱۳۸۰). گویش نیشابوری، نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران: ۲۴-۲۰.
۱۱. ضیا حسینی، قادر بخش، جمشید زهی (۱۳۶۸). واج‌شناسی، ناشر: نویسندگان.

۱۲. صادقی محمد (۱۳۸۴). نیوشه، فرهنگواره ضرب المثل های نیشابوری، انتشارات شهر فیروزه و نوای غزل.
۱۳. مشکوئه‌الدینی، مهدی (۱۳۶۴). ساخت آوایی زبان، بحثی درباره صداهای زبان و نظام آن، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۱۴. هایمن، لاری (۱۳۶۸). نظام آوایی زبان، نظریه و تحلیل، ترجمه یدالله ثمره، تهران: فرهنگ معاصر.
۱۵. نظریان، حسن (۱۳۷۲). گویش های محلی خراسان (گویش نیشابوری)، بینالود سال اول شماره اول: ۲۸-۳۱.
۱۶. نعیم آبادی، مریم (۱۳۸۲). گویش نیشابوری، به راهنمایی ایران کلباسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۱۷. یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۶۴). درآمدی به آواشناسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
18. Beeman, William O (1986). *Language, Status, and Power in Iran*, Indiana University Press: Bloomington.
19. Carr, Philip (1993). *Phonology*, The Macmillan Press Ltd.
20. Calvert, Donald R (1986). *Descriptive Phonetics*. (2nd ed.), New York: Thieme
21. Ferguson, Charles A. (1957). *Word Stress in Persian*. In: *Lg* 33:123-135.
22. Ladefoged, Peter (2001). *A Course in Phonetics*. (4th ed.). Forth Worth, TX: Harcourt College Publishers .
23. Sanford A. Schane (1973). *Generative Phonology*, Prentice- Hall- Language Arts and Disciplines.